

بررسی علل جهانی افزایش خشونت سایبری علیه زنان

مریم فتاحیان

Maryam fatahian

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل . دانشگاه آزاد اسلامی . واحد اسلام آبادغرب

Havar0101@gmail.com

چکیده:

یکی از اصلیت‌ترین قربانیان خشونت در جهان زنان هستند. با پیشرفت جوامع و جهانی شدن ارتباطات اعمال خشونت علیه زنان تغییر شکل داده و به اشکال مختلف بروز پیدا میکند. خشونت در فضای مجازی یکی از اشکال نوظهور این آسیب اجتماعی است. مقاله حاضر ضمن تعریف مفهومی از خشونت به بررسی علل جهانی خشونت سایبری علیه زنان میپردازد. این مقاله در پی پاسخگویی به این سوال است که "چرا برخلاف ارتقای جایگاه جنسیتی زنان خشونت علیه زنان افزایش یافته است؟ با توجه به دیدگاه‌های رهیافت زیست‌شناختی و تئوری ناکامی پرخاشگری که به ماهیت خشونت پرداخته اند دیدگاه جامعه‌شناختی بیشتر به علل بروز خشونت علیه زنان پرداخته است. تلاش شده است تا با استفاده از روش تحلیلی_توصیفی به اثبات این فرضیه بپردازیم که "اختلافات والدین و رفتار تحریک‌آمیز زنان دو عامل اصلی خشونت علیه زنان در فضای سایبری است". با توجه به نظریه یادگیری اجتماعی مشاهده و تجربه خشونت در کودک اصلیت‌ترین عامل بروز خشونت در بزرگسالی است.

واژگان کلیدی: خشونت، سایبر، اخلاق کامپیوتری، توانمندی جنسیتی

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

مقدمه:

خشونت علیه زنان بارزترین نوع نقض حقوق بشر در ارتباط با زنان است. با پیشرفت تکنولوژی و جهانی شدن ارتباطات خشونت علیه زنان عرصه ای جدید برای بروز یافته است. یکی از این عرصه ها فضای مجازی است. فضایی که با پنهان ماندن هویت وعدم قانونمندی افراد به راحتی هنجارهای دنیای واقعی را شکسته و در برآوردن امیال ضد انسانی خود گام برمیدارند. در دنیای معاصر که بیشتر ارتباطات و فعالیت‌های افراد به نوعی وابسته به استفاده از اینترنت و عضویت در دنیای مجازی است بسیاری از افراد نابه هنجار با حضور در این فضا سعی در آسیب رساندن به زنان بعنوان قشر آسیب پذیر میکنند. طی چند سال گذشته با توسعه کشورها و تحقق رویای دهکده جهانی این تکنولوژی در کنار آثار مثبتی که برای جهانیان داشته معایبی را هم به همراه داشته است. یکی از این معایب که امروزه به علت فراگیر شدن توجه جهانیان و حتی سازمان ملل را به خود جلب کرده است پدیده خشونت در فضای مجازی است. زنان که نیمی از جمعیت جوامع را به خود اختصاص میدهند در دنیای مجازی هم به مثابه جهان واقعی حضوری پررنگ دارند اما برخلاف تمام تلاشهایی که سازمانهای بین المللی و دولتها در ارتقای جایگاه زنان و ایجاد برابری جنسیتی در دنیای واقعی داشته اند در دنیای مجازی به علت عدم قانونمندی و نبودن قدرت نظارت بر افراد چنین برابری وجود نداشته و حتی زنان بیشتر از دنیای واقعی هدف خشونت قرار میگیرند. زنان در فضای مجازی با انواع مختلفی از خشونت از فحاشی و تحقیر تا تهدید و آزار و اذیت جنسی روبه رو هستند. افزایش روز افزون خشونت مجازی علیه زنان در سطح جهانی نگرانی جوامع را برانگیخته و زنگ خطری را برای سازمانهای حامی زنان به صدا درآورده است.

اهمیت بررسی علل این افزایش خشونت از آنجاست که زنان نیمی از جمعیت جوامع بشری را به خود اختصاص میدهند. حضور زنان در دهه های اخیر در عرصه های مختلف فعالیت های اجتماعی و اقتصادی موجب شده است تا نقش اساسی آنها در تکامل و پیشرفت جوامع برجسته تر از گذشته شود. زنان و دختران جامعه امروز مادران نسل آینده خواهند بود این زنان و دختران برای تربیت نسلی پویا و سالم نیاز به امنیت و آرامش در جهت رشد و بالندگی دارند چه در دنیای واقعی چه در دنیای مجازی. دنیای که با گذر زمان حضور افراد در آن پررنگ تر از دنیای واقعی خواهد بود. در پی همین نقش آفرینی زنان در تکامل جوامع باعث شد تا دولتها در پی ایجاد نهادهایی برای حمایت از زنان برآیند. سازمان های مختلفی از جمله نهاد زنان ملل متحد که با اقدامات خود سعی در ارتقای جایگاه زنان در جهان و ایجاد برابری جنسیتی داشته اند و تلاشهای این سازمانها تا حدودی توانسته است جایگاه زنان را در جوامع تغییر داده و فضایی نسبتاً امن را برای حضور بیشتر زنان در عرصه های مختلف به ارمغان بیآورد اما سوال اصلی که مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به آن است این است که: چرا برخلاف ارتقای جایگاه جنسیتی زنان خشونت علیه زنان در فضای مجازی در حال افزایش است؟

در دنیای امروز که بسیاری از فعالیتهای علمی و صنعتی در ارتباطات تنگاتنگ با اینترنت و فضای مجازی است زنان که نیمی از جمعیت جهان را به خود اختصاص میدهند اگر به علت ناامنی در فضای مجازی نتوانند آنگونه که شایسته است حضور داشته و نقش آفرینی کنند جهان با مشکلی بزرگ برخورد خواهد کرد زیرا به جرات میتوان گفت نیمی از جامعه فلج خواهد شد و حرکت رو به رشد جهان به کندی پیش خواهد رفت.

"زنان چه در دنیای واقعی چه در فضای مجازی نیاز به امنیت دارند اما متأسفانه گاهی این نیاز امنیتی در فضای سایبر نادیده گرفته می شود. از مصادیق نا امنی خشونت های کلامی و نوشتاریست که از طریق چت و اینترنت به صورت حملات نوشتاری و بکارگیری کلمات رکبک و آزار دهنده علیه زنان و یا حتی تخریب و حمله به سایت زنان جهت اعمال خشونت و ابراز قدرت علیه آنان صورت می گیرد، وجود تصاویر مستهجن و

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

پورنوگرافیک در اینترنت به مردان می آموزد که زنان موجوداتی آسیب پذیرند و باید مورد سوء استفاده و پرخاشگری، تجاوز جنسی و آزار باشند فعالیت های پورنوگرافیک علامت تداوم سیستم مرد سالاریست زیرا این مردان هستند که آشکار و پنهان میل به برتری خود را با سوء استفاده جنسی از زنان نشان می دهند، این تصاویر زنان را مطیع و تسلیم پذیر نشان می دهد. خشونت و سکس دست مایه اصلی تصاویر پورنوگرافیک است در اغلب این تصاویر مردان در حالت غلبه و تسلط بر زن هستند و صحنه هایی که زن را در موقعیت خوار و پست نمایش می دهد". (میرحسینی، ۱۳۸۷)

خشونت حالتی از رفتار است که با استفاده از زور فیزیکی و یا غیر فیزیکی فرد خشن خواسته خود را به دیگران تحمیل می کند. خشونت ممکن است در اثر خشم اتفاق افتد. خشونت از نظر لغوی به معنای خشکی، تندی و سختی است. (لغتنامه دهخدا)

در سال ۱۹۹۳ بیانیه حذف خشونت علیه زنان در سازمان ملل این تعریف را برای خشونت علیه زنان بیان کرد؛ به هر نوع اقدام خشونت آمیز که به آسیب بدنی، جنسی یا روانی در زنان منجر شود (یا احتمال بروز آن زیاد شود) برای زنان رنج آور بوده یا به محرومیت اجباری از آزادی فردی یا اجتماعی منجر شود.

"خشونت علیه زنان اصطلاحی تخصصی است که برای توصیف کلی کارهای خشونت آمیز علیه زنان به کار می رود. مجمع عمومی سازمان ملل متحد خشونت علیه زنان را "هرگونه عمل خشونت آمیز بر پایه جنسیت که بتواند منجر به آسیب فیزیکی، جنسی یا روانی زنان بشود" تعریف کرده است که شامل «تهدید به این کارها، اعمال اجبار، یا سلب مستبدانه، آزادی (چه در اجتماع و چه در زندگی شخصی)» می شود. (رادفرد، ۱۳۹۴)

در تعریفی از خشونت چنین آمده است: خشونت را میتوان عملی آسیب رسان دانست که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام میدهد و صرفاً جنبه فیزیکی (برخی افراد، بلکه ممکن است ابعاد روانی، فحاشی، تحقیر، منزوی کردن فرد، داد و فریاد، آزار و مزاحمت، جنسی و تجاوز)، اقتصادی (شکستن وسایل خانه و...) و سیاسی را به خود بگیرد. (کار، ۱۳۷۸)

خشونت سایبری بروز آسیب های روانی و یا تحریک دیگران برای انجام خشونت های فیزیکی علیه دیگران که نتیجه نقض قوانین حقوقی حفاظت فردی است.

خشونت مدنظر در این مقاله عملی آسیب زننده در فضای مجازی است که با اعمال فیزیکی صدمات فیزیکی و روانی را به قربانی وارد میسازد نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که در این نوع از خشونت اصلی ترین فکتور در تعریف آن فضای است که در آن فرد مورد حمله قرار میگیرد. در تعاریف ارائه شده بالا تمامی صدمات در فضای واقعی به قربانی وارد میشود ولی در این تعریف مبدا ورود صدمه فضای مجازی است.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

دیدگاه ها و نظریات:

فلاسفه و دانشمندان هر یک به فراخور دیدگاه خود انسان را تعریف کرده اند. براساس این تعاریف؛ یکی از ویژگی‌های او را در نظر گرفته اند مانند تفکر، نطق، اجتماعی بودن، خنده و... در یکی از تعاریف، الیوت ارنسون می گوید: انسان، حیوان پرخاشگر و ستیزه جوست. با این تعریف این سؤال مطرح می شود آیا واقعاً پرخاشگری در انسان فطری است و در ذات او موجود است؟ یادگیری تا چه حد در پرخاشگری مؤثر است؟

ژان ژاک روسو می گوید: انسان در محیط طبیعی، موجودی مهربان، شاد و خوب است. قیود اجتماعی او را مجبور به پرخاشگری و فساد می کند این نظریه و نمونه های دیگر به جنبه اکتسابی یادگیری پرخاشگری تأکید دارند همچنانکه فرزند خانواده خشن هرگز مهربان و صبور نخواهد بود.

بسیاری از اندیشمندان از جمله پروفیسور عدل معتقد بوده اند که انسان در محیط طبیعی خشن و بی رحم است و تنها برقراری نظم و تربیت در جامعه می تواند او را مهربان کند و یا سبب تصعید غرایز طبیعی پرخاشگرانه او بشود. نوربرت الیاس، جامعه شناس آلمانی در کتاب فرآیند تمدن (۱۹۳۹) چنین بیان می کند که در تمدنهای ابتدایی بشری، استفاده از زور و اجبار عاملی بود که افراد در جامعه را مجبور به قبول حقوق و حد و مرز زندگی دیگران می کرد. این تعریف از متدین بودن را می توان تا حد قابل قبولی به مفهوم «تقوا» منطبق دانست که در ادیان الهی نسبت به آن تأکید بسیار شده است. نتیجه اینکه متدین بودن و تقوا داشتن عامل مهمی در رعایت حقوق، مدارا و پرهیز از رفتار خشونت آمیز با دیگران است. واقعیت نیز چنین است که شخص هنگامی از روشهای خشونت گرایانه استفاده می کند که نتوانسته باشد دیگران را تحمل کند و در مواجه شدن با دیگران برای رعایت و تحمل دیگری، ترمزهای درونش عمل نکنند.

نوربرت الیاس معتقد است که خشونت پدیده ای است که در فرآیند اجتماعی شدن آموخته می شود و از آنجایی که عدم خشونت ورزی به سطح تمدن جامعه و رشد فرهنگ احترام به شخصیت و عقاید دیگران و روشهای زندگی و شیوه های رفتاری دیگری و شکل گیری فرهنگ دموکراسی در جامعه مربوط است به نظر می رسد که محو خشونت ممکن نیست مگر آنکه در همه نهادهای رسمی و غیررسمی (مانند مدرسه و خانواده) خرد و کلان جامعه تغییر و تحولی بنیادین و مستمر و پایدار صورت گیرد، تنها در این صورت فرهنگ خشونت ورزی جای خود را به مدارای اجتماعی خواهد سپرد.

نظریه خشونت ذاتی (Theory Instind)

یکی از قدیمی ترین تبیین های نظری در باب خشونت، نظریه خشونت ذاتی است که رویکرد غریزی به خشونت دارد و تأکید می کند موجودات انسانی برای بروز رفتارهای خشن، از پیش به طور ذاتی برنامه ریزی شده اند. از جمله حامیان این نظریه، زیگموند فروید است. مطابق این تئوری نحوه انگیزش نیروهای درونی توسط «خود» شکل می گیرد. تأکید بر «خود» از آن جهت می باشد که «خود» اولین سازوکار کنترل در مقابل ظهور انگیزه ها و رفتارهای خشونت آمیز است.

گونداد لورنس (۱۹۹۶) دیدگاهی شبیه خشونت ذاتی دارد که منشأ بروز خشونت انسانی را غریزه جنگ طلبی انسان می داند. به اعتقاد او این غریزه در طی دوره تکامل انسانی توسعه می یابد و علت این امر سودمندی خشونت برای بقای انسان می باشد. در نظریه هایی که خشونت را ناشی از تمایلات و خواسته های درونی می

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

داند، امکان پیشگیری خشونت انسانی وجود ندارد، لذا نفی و نابودی چنین خشونتی امکان پذیر نیست و صرفاً این خشونت را می توان کانالیزه نمود تا آسیب کمتری به دیگران وارد شود. (محبی، ۱۳۸۹)

نظریه یادگیری اجتماعی (Social learning view)

عده‌ای دیگر در مقابل ذاتی بودن پرخاشگری اعتقاد دارند که فکر ذاتی بودن پرخاشگری برای انسان خطرناک و مخرب است زیرا داشتن چنین فکری سبب می‌شود که پرخاشگری مانند میل به غذا یک واکنش اجتناب ناپذیر تلقی شود بنابراین انسان در کنترل یا کاهش آن نمی‌تواند نقش داشته باشد بنابراین این دیدگاه مبتنی بر یادگیری است. یعنی رفتارهای انسان تابع یادگیری و شرایط و موقعیت‌های بیرونی است. یادگیری از طرق مختلف همچون مشاهده، تقلید، شرطی سازی حاصل می‌شود. از نظر این دیدگاه پرخاشگری ذاتی نیست بلکه اکتسابی است و از تعامل بین اعضای خانواده و جامعه کسب می‌شود. در این راستا نقش تعلیم و تربیت، خانواده، محیط اجتماعی، رسانه‌های گروهی بسیار با اهمیت است. بخش اعظم تحقیقات از چشم انداز یادگیری اجتماعی صورت گرفته است. بیشتر روان‌شناسان نقطه نظر تیره و بدبینانه پرخاشگری «طبیعی آدمی» را نمی‌پذیرند. آنان در عوض اهمیت عوامل محیطی، اجتماعی و یادگیری را در تنظیم رفتار پرخاشگرانه مورد تأکید قرار می‌دهند (باندورا، ۱۹۸۳، بارون، ۱۹۷۷، برکووتیس، ۱۹۶۲) همچنین این گروه دلائل فراوانی را مبتنی بر اینکه پرخاشگری منشاء غریزی و ذاتی نمی‌تواند داشته باشد ارائه داده‌اند به همین دلیل از نظر اجتماعی هم قابل آموزش هم قابل پیشگیری و کنترل است. (مقتدایی، ۱۳۹۵)

تئوری ناکامی-پرخاشگری

این تئوری که از معروف ترین و رایج ترین نظریه‌ها درباره خشونت و پرخاشگری است، ناکامی را به عنوان عامل به وجود آورنده تمایلات پرخاشگرانه در نظر می‌گیرد. تئوری ناکامی-پرخاشگری مبتنی بر مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نظری است که پرخاشگری را به طور عمده ملهم از یک سائق بیرونی برای آسیب وارد کردن به دیگران در نظر می‌گیرد. این رهیافت در چند تئوری مختلف منعکس شده است که جملگی بر این باورند شرایط بیرونی مانند ناکامی، فقدان وجهه و احساس اجحاف، سائقی نیرومند برای ایجاد رفتار آسیب زا محسوب می‌شود. پذیرفته شده ترین تئوری در این مجموعه تئوری موسوم به ناکامی-پرخاشگری است. در این تئوری پرخاشگری برآیند فرایندی در نظر گرفته می‌شود که در خلال آن افراد از دستیابی به هدف یا اهداف خویش باز می‌مانند و احساس ناکامی در آن‌ها شکل می‌گیرد.

باقبول نظریه یادگیری اجتماعی در ارتکاب خشونت می‌توانست مشاهده کرد که کودکانی که در سنین پایین شاهد خشونت در خانواده و محیط‌های دیگر هستند نسبت به کودکانی که در محیط خانوادگی آرامی رشد یافته اند مساعد بروز خشونت در سن بزرگسالی هستند.

ادبیات و پیشینه:

رفیعی فر و پارسی نیا در ترجمه کتاب خشونت علیه زنان بیان میدارند: "خشونت علیه زنان" مجموعه مطالبی است که از جانب "سازمان بهداشت جهانی، واحد سلامت زنان و توسعه" به منظور ترویج و هماهنگی فعالیت‌های سلامت زنان تدوین شده است. این کتاب بیانگر نوعی دیدگاه جهانی است درباره خشونت علیه زنان، به ویژه اهمیت آن در سلامت زنان و دختران. در این طرح آموزشی بر پی‌گیری خشونت در خانواده‌ها و خشونت علیه زنان به هنگام درگیری نظامی و تبعید و آوارگی، نیز نکوهش خشونت علیه دختران تأکید دارد

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

در این طرح عواقب و نتایج خشونت بر سلامت زنان و نقش کارکنان عمومی در پایان دادن به خشونت بررسی می‌شود.

خانم ناهیداعظم رام پناهی در کتاب خود تحت عنوان خشونت علیه زنان و بازتاب آن در مطبوعات بیان میکند که: در این طرح جمعا ۱۵۲۱ مورد خبر و مقاله با موضوع "خشونت علیه زنان" که در ۲۸ روزنامه‌ی منتشر شده در سال ۱۳۸۲ درج شده، بررسی گردیده است. به تصریح نگارنده: "طبیعی است که بیشترین نوع خشونت در حوادث و وقایع مورد بررسی موارد مربوط به قتل است. آدم‌ربایی و گروگان‌گیری در مرتبه‌ی دوم و اعمال خشونت به قصد سرقت و اخاذی در مرتبه‌ی سوم قرار دارد. نتایج به دست آمده از ارزیابی خشونت‌های اعمال شده علیه زنان به تفکیک شیوه‌ی اعمال خشونت، حاکی است بیشترین وسیله یا شیوه‌ی اعمال خشونت، تهدید، حمله، ضرب و جرح و قتل توسط کارد می‌باشد. در مرتبه بعدی شیوه‌ی خفگی و در مرتبه‌ی سوم، شیوه‌ی ضرب و شتم با وسایل ثانوی نظیر چوب و چکش و تبر و غیره می‌باشد.

خانم شهیندخت ملاوردی در کتاب کالبدشکافی خشونت علیه زنان: به بررسی مفهوم خشونت علیه زنان پرداخته و سپس به مسئولیت‌های ناشی از خشونت علیه زنان اشاره کرده که شامل مسئولیت دولتها و مسئولیت جامعه‌ی بین‌المللی است. و علاوه بر آن به ارزش حقوق زنان پرداخته است. موارد خشونت علیه زنان، اقدامات ملی مبارزه با خشونت علیه زنان، اقدامات بین‌المللی مقابله با خشونت علیه زنان، از از مباحث بعدی کتاب هستند. نویسنده در آغاز، دیدگاه خود را درباره‌ی خشونت علیه زنان چنین بیان می‌کند: "ستم‌های روا شده بر زن از سپیده‌دم تاریخ تا کنون، از بزرگ‌ترین و کهن‌ترین ستم‌های تاریخ بشری حتی در جوامع دینی است و هر جا پیام دین به درستی دریافت یا اعمال نشده، زنان مورد ستم بوده‌اند و تاسف‌آورتر آن که بسیاری از ظلم و ستم‌های روا شد بر زنان رنگ و بوی دینی یافته و به تعالیم انبیا نسبت داده شده است و در نتیجه جهل، عقب ماندگی خود خواهی و قصور در به کار گیری اصول واقعی و اساسی شریعت، بسیاری از حقوق حقه‌ی زنان به فراموشی سپرده شده و متروک مانده است. در واقع این ستم بی‌اندازه‌ای که در طول تاریخ نسبت به جنس زن روا داشته شده است و بی‌گمان یکی از سیاه‌ترین نقطه‌های تمدن بشری را م‌سازد منجر به شکل‌گیری جریان‌های افراطی دفاعی از حقوق زن در غرب و آن‌گاه در دنیای شرق شده است و پیل دوران فمینیسم را عکس‌العمل زن غربی در برابر اعتقادات و قوانینی می‌داند که زن را جنس پست‌تر از مرد قلمداد کرده و واکنشی می‌داند در برابر مردگرایی افراطی (تفکر غالب دین مسیحیت و فلسفه‌ی غرب)."

کلودیا گارسیا مورنو در کتاب خشونت علیه زنان بیان میدارد که خشونت علیه زنان یکی از اصلیت‌ترین نگرانی‌ها در حوزه بهداشت عمومی و حقوق بشر و رفاه عمومی است. و به بیان اشکال مختلف خشونت علیه زنان: خشونت، خشونت در دوران بارداری، خشونت جنسی، قاچاق زنان، سوء استفاده جنسی از کودکان و رابطه جنسی اجباری و ختنه زنان می‌پردازد.

دبورا جانسون در کتاب آموزشی خود با عنوان اخلاق کامپیوتر در سال ۱۹۸۵ این زمینه را اینگونه تعریف میکند: مطالعه‌ی نحوه‌ی پیدایش طیف جدیدی از مسائل و معضلات متداول اخلاقی، با خاستگاهی کامپیوتری به رویکردی جدید در هنجارهای اخلاقی انجامیده است.

خانم سمیرا ابراهیم پور کومله و دکتر کامیان خزایی نیز در مقاله تحت عنوان آسیب‌های نو پدید؛ شبکه‌های اجتماعی مجازی در کمین خانواده‌ی ایرانی به بررسی تأثیرات اینترنت در زندگی خانواده‌های ایرانی پرداخته و عدم شناخت کافی برخی از خانواده‌ها نسبت به این تکنولوژی و برخی از معایب و خطرات آن برای فرزندانشان پرداخته‌اند و در مقاله خود راهکارهای برای کاهش خطرات این تکنولوژی بیان نموده‌اند.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

خانم زهرا احمدی نیز در مقاله ای تحت عنوان آسیب شناسی ارتباطات اینترنتی به بررسی پدیده اینترنت پرداخته و با بیان موضعی بیطرفانه نسبت به این پدیده و تکنولوژی به بررسی برخی از معضلات اینترنت میپردازد و راهکارهای را نیز برای کاهش معایب این رسانه و افزایش محاسن آن بیان میکند.

دون پارکر (Parker/Donn) اولین کسی بود که در مقاله ای تحت عنوان علم اخلاق در پردازش اطلاعات در سال ۱۹۶۸ به این گونه مسائل و مشکلات توجه نمود. این موضوعات و مسائل در دهه ۷۰ به تعبیر والتر منر (Maner/Walter) تحت عنوان اخلاق کامپیوتر گردآوری شدند. اخلاق کامپیوتر به مثابه شاخه جدیدی از اخلاق کاربردی با مسائلی در ارتباط است که تکنولوژی کامپیوتری آنها را ایجاد کرده، متحول ساخته یا به آنها دامن زده است.

خانم هلن نیز بناوم استاد رسانه و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه نیویورک در مقاله ای تحت عنوان مفهوم ناشناختگی در عصر اطلاعات در سال ۱۹۹۹ از مجموعه ای مطالعاتی در اخلاق سایبر (ویرایش ۲۰۰۴) راجب ناشناختگی در فضای سایبری پرسشهایی را بیان میکند که به نوعی جواب این پرسشها میتواند کمک شایانی به کاهش خشونت در فضای سایبری و مشکلات موجود در فضای مجازی کند. (ثقه السلامی، ۱۳۸۸)

در تمامی کتب و مقالات ذکر شده پیرامون انواع مختلف خشونت علیه زنان صحبت شده است اما خشونت سایبری علیه زنان نوع تازه ای از خشونت است که در مقاله حاضر به دنبال بررسی علل این پدیده هستیم موضوعی که در برخی مقالات تنها به جنبه ارتباطات مجازی به صورت کلی نگاه شده است.

اهداف تحقیق:

هدف کلی در این مقاله یافتن علل اصلی سرایت خشونت علیه زنان از دنیای واقعی به دنیای مجازی است. با مطالعه پیرامون دیگه های متفاوت ابراز شده در مورد منشا خشونت و دلایل ابراز خشونت توسط افراد در پی یافتن پاسخی منطقی برای این امر هستیم. هدف دیگر مقاله این است که چرا تلاش های سازمانهای حامی حقوق زنان در کاهش خشونت علیه زنان چندان موفقیت آمیز نبوده است و چه اینکه چه عاملی موجب شده است تا زنان هدف اصلی خشونت های مجازی واقع شوند.

فرضیه تحقیق:

فرضیه اصلی که با مطالعات در حوزه زنان و حقوق زنان و همچنین روانشناسی روابط به دنبال اثبات آن برآمده ایم این است که: اختلافات والدین و رفتار تحریک کننده زنان دو عامل اصلی خشونت سایبری علیه زنان است.

بررسی علل خشونت علیه زنان:

تغییر ساختار خانواده:

تغییر شکل خانواده از خانواده های سنتی و هسته ای گذشته به سوی خانواده های پراکنده و گاه تک والدی موجب بروز مشکلاتی در تربیت فرزندان شده است. خانواده ای در گذشته شامل پدر و مادر در راس هرم خانواده و بعد از آنها فرزندان به عنوان ضلعهای این هرم محسوب میشدند اما امروزه به علل گوناگون خانواده ها دیگر انسجام و همبستگی گذشته را ندارند. طلاق عاطفی والدین و جدا زندگی کردن آنها از هم یکی از اشکال جدید زندگی های امروز است. خانواده ای که باید بستری آرام را برای رشد و بالندگی فرزندان فراهم کند عرصه رقابت های گاه و بیگاه والدین میشود و فرزندان که در چنین فضای ناآرامی رشد میکنند هیچگاه نمیتوانند در آینده از سلامت روانی قابل قبولی در جامعه برخوردار باشند شکل خانواده ها از هسته ای بودن و حضور

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

هماهنگ والدین در کنار هم امروزه به خانواده‌های با حضور ناهماهنگ و اغلب تک والدینی تغییر یافته است. از دیدگاه نظریه ((یادگیری اجتماعی)) در خانواده‌هایی که اعضای آن در دوران کودکی شاهد خشونت والدین خود بوده یا آن را تجربه کرده اند، احتمال بروز خشونت بیشتری وجود دارد. این نظریه به سابقه مشاهده و تجربه خشونت در خانواده اشاره دارد. همچنین این تجربه می‌تواند از طریق محتوایی که رسانه ارائه می‌کند شکل گرفته و به مرور زمان تقویت شود. "از نظر کوئن با صنعتی شدن جوامع، ساخت، کارکردها و اقتدار خانواده دچار دگرگونی عظیمی شده است و مهمترین پیامد گذار از خانواده سنتی به خانواده صنعتی شهری، جانمایی خانواده هسته‌ای به جای خانواده گسترده بوده است. در نتیجه خانواده نقش خود در تربیت اجتماعی فرزندان را به مدارس و آموزشگاه‌ها واگذار کرد و می‌توان گفت روابط سودجویی بجای مهرجویی و منفعت در مقابل اخلاق قرار گرفت و خانواده با کارکردهای گذشته اش به حاشیه رانده شد" (رتوف، ۱۳۷۷)

تغییر جایگاه والدین:

با صنعتی شدن جوامع و فراهم شدن عرصه حضور زنان در کنار مردان در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی جایگاه والدین به مرور تغییر یافت. زنان که در تقسیم وظایف خانوادگی تربیت فرزندان و فراهم نمودن محیط امن و آرام برای اعضای خانواده را بر عهده داشتند با حضور در عرصه فعالیت اقتصادی نیمی از قدرت و وقت خود را در عرصه اقتصاد صرف میکنند و مثل گذشته فرصت و توان رسیدگی به امور خانه و خانواده را ندارند. زنان به علت ظرافت داشتن و نسبت به مردان با حضور مستمر در اجتماع زودتر از مردان خسته و شکسته میشوند همین زنان که مادران جامعه را تشکیل میدهند وقتی در اجتماع با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم میکنند دیگر توانی برای پاسخگویی به نیازهای عاطفی فرزندان و همسر را ندارند همین کم توجهی ناشی از خستگی موجب بروز کشمکش و نارضایتی افراد خانواده شده و در نهایت خانه که محل آرامش است را به میدان نبرد مبدل میسازد. "نقش‌های سنتی مرد، زن و فرزندان در درون خانواده دچار تحول شده است. نقش تعیین کننده مرد در معیشت از انحصار او بیرون آمده و با ورود انبوه زنان به کارهای خارج از خانه، قدرت چانه زنی آنها افزایش یافته است" (شیخی، ۱۳۸۰). فرزندی که در کنار مادر به آرامش دست نیابد سعی میکند احساسات خود را در مکانی دیگر ابراز کند و چه مکانی بهتر از دنیای مجازی که هم بینهایت گسترده است و هم پاسخگوی بسیاری از نیازهای نامعقول.

مشکلات اقتصادی:

یکی در دیگر از عوامل بروز خشونت در افراد ریشه اقتصادی دارد. با تکامل هرچه بیشتر جوامع هزینه‌های زندگی هم بیشتر شده است دیگر مثل گذشته‌ها نیست که خانواده‌ها خودکفا باشند و به تنهایی بتوانند برای رفع نیازهای خود تلاش کنند همین امر سبب شده است تا زنان هم در کنار مردان پایه عرصه فعالیت بگذارند. وقتی زنان نیمی از قدرت و توان خود را در بیرون از خانه صرف میکنند نقش مادرانه آنها نسبت به فرزندان کم رنگتر از قبل میشود. مادر دیگر نه وقت و نه توان کافی برای همراهی با فرزند خود را دارد البته تنها مادران را نمیتوان مسئول تربیت فرزندان خطاب کرد زیرا مردان هم به همان اندازه در رشد کودکان سهیم هستند اما زنان به علت حضور مداوم در کنار فرزندان نقش مهمتری را ایفا میکنند. وقتی مادری که تکیه گاه و بهترین شخص برای آگاهی فرزند از نحوه ارتباط با دنیای پیش روست دیگر توان و وقت لازم را برای کودک ندارد کودک خود هرآنچه را که ببیند می‌آموزد زیرا کسی که باید او را راهنمایی کند وجود نداشته یا وجودش تاثیرگذار نخواهد بود و این کودک خیلی زودتر از اقتضای سن خود با چیزهای آشنا میشود که تاثیرات منفی بر روح و روان او خواهد گذاشت. راحتی دسترسی به اینترنت یکی از اصلترین معضلات اجتماعی

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

است زیرا کودک ترد شده از خانواده راحت به سوی فضایی کشیده میشود که میتواند بدون احساس سرخوردگی ناشی از شناخته شدن نیازهای گوناگون خود را برطرف کند.

بالا رفتن سن ازدواج:

حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و استفاده از استعداد زنان در عرصه های مختلف موجب شد تا جهان سریعتر از گذشته راه پیشرفت را طی کند. اما در کنار تمامی محسنات این حضور مشکلاتی هم به همراه داشت که این مشکلات رفته رفته دامن اجتماع را گرفت. امری که امروزه نه تنها جامعه ایران بلکه جامعه جهانی را درگیر ساخته بالا رفتن سن ازدواج است. زنان با داشتن استقلال مالی و حضور پایاپای مردان در جامعه دیگر کمتر از گذشته نیاز به حضور یک مرد را به عنوان حامی و پشتیبان حس میکنند. همین عدم نیاز به حضور شریک زندگی باعث شده تا تمایل به ازدواج در زنان و به نوبه خود مردان کاهش یابد این عدم تمایل موجب میشود که افراد و به خصوص مردان سعی در رفع نیاز جنسی خود کرده و از طریق غیر از ازدواج در پی رفع نیاز خود باشند. وجود اینترنت و ظهور پدیده پرنوگرافی در فضای مجازی راهی مناسب و آسان را پیش روی افراد باز کرده است که متأسفانه تبعات بسیار سنگینی را بردوش جامعه و خانواده ها متحمل داشته است. فضای مجازی با داشتن مزایای مثل دسترسی آسان، بی نهایت بودن، پنهان ماندن هویت، جذابیت فضا و کم هزینه بودن و بسیاری دیگر از این امور مکانی مناسب برای برطرف کردن امیال افراد خواهد بود. بسیاری از افرادی که روزانه میزان قابل توجهی از وقت خود را صرف حضور در فضای مجازی میکنند بارها و بارها با تصاویر مستهجن برخورد میکنند که همین تصاویر خود محرکی برای جذب افراد به سوی مسائل جنسی است. مسائل و نیازهایی که اگر در بستر خانواده و با ازدواج به موقع رفع گردد چه بسا هم آرامشی بیشتر و ماندگار تر را به همراه خواهد داشت و هم اجتماعی امن را به وجود میآورد. در این فضا به خاطر جذابیت بیشتر زنان از آنها استفاده ابزاری میشود. با افزایش روز افزون مسائل جنسی در فضاهای مجازی بسیاری از زنان که به علل مختلف در فضا حضور دارند مورد هجوم انواع مختلفی از تقاضاها و تهدیدات جنسی قرار میگیرند. همانطور که در تعریف خشونت نیز خاطر نشان کردیم خشونت شامل دو بعد فیزیکی و روانی است. گاهی صدمات ناشی از خشونت روان فرد را هدف قرار میدهد. زنان در فضای مجازی بیشتر از دنیای واقعی مورد اذیت و آزار جنسی واقع میشوند که همین امر تاثیرات غیر قابل انکاری را بر روان زنان بجای میگذارد. "تحقیقات نشان دهنده بالا رفتن میزان طلاق و جدایی، به تاخیر افتادن سن ازدواج دختران و تولد نخستین فرزند آنها، محدود شدن تعداد فرزندان، افزایش تعداد و نسبت زنان دارای تحصیلات عالی و نشان دهنده تغییرات پدید آمده در نهاد خانواده است" (رفعت جاه، ۱۳۸۳)

خشونت در رسانه های جمعی

مطالعات کاربردی در ایالات متحده آمریکا حاکی از آن است که جوانان در معرض بیش از ۴۰۰۰۰ مورد مرگ و میر و خشونت صدها هزار مورد عواقب غیرکشنده دیگر قرار دارند و تخمین زده می شود که اگر تلویزیون هرگز اختراع نشده بود، در این صورت ۷۰۰۰۰۰ مورد خشونت و تعرض در هر سال در آمریکا کاهش می یافت. مطالعات و بررسی در کشورهای آمریکا، استرالیا، فنلاند و لهستان نشان می دهد، بچه هایی که بیشتر پرخاشگر و متعرض هستند نسبت به آنها که کمتر پرخاشگرند، بیشتر تلویزیون تماشا می کنند و برنامه های خشونت آمیز را ترجیح داده و به خشونت به عنوان موضوع واقعی تر بها می دهند. آنها همچنین به افراد بالغی تبدیل می شوند که احتمال ارتکاب جنایات جدی و رفتار پرخاشگرانه در جامعه و در خانه های شان زیاد است. کارشناسان و متخصصان اکنون به تاثیر جمعی سرگرمی های خشن به عنوان یک «عامل خطر» توجه دارند که موجب افزایش حالت پرخاش و حملات فردی می شود. "پخش صحنه های خشن در فیلم های سینمایی رفتار خشن

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

را در افراد برمی انگیزد چرا که خشونت، تمایل به خشونت را کاهش نمی دهد بلکه خشونت موجد خشونت است، مشاهده خشونت در تلویزیون موجب افزایش پرخاشگری در میان تماشاگران می گردد." (ارونسون، ۱۳۶۹)

رفتار زنان در جامعه:

مساله بدحجابی امروزه یک مساله ملی و منطقه ای نیست بلکه مشکی جهانی است. تغییر نوع فرهنگ پوششی در جوامع یکی از علل آسیبهای اجتماعی و انحرافات نوجوان است. پوشیدن لباسهای کوتاه و چسبیده و حضور در اماکن عمومی موجب شده است تا زنان به ظلمی پنهان علیه خود دست زنند. زنان و دختران با این نوع پوشش خود را به مثابه یک ابزار جنسی برای ارضای غریزه مردان معرفی میکنند همین موجب شده است تا دیدگاه برخی از جوانان نسبت به زنان عوض شده و تنها مزیت زنان را ارضای جنسی مردان بشمار آورند. همین امر موجب میشود تا کسانی که در دنیای واقعی موفق به کامیابی از دختران و زنان نشده اند در فضای مجازی بدون ترس آنان را مورد آزار و اذیت جنسی قرار دهند. فضای مجازی با پنهان ماندن هویت شخص راحتترین راه ممکن را برای مردان در جهت ارضای غرایض جنسی باز کرده است.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا، ۴۰ درصد مردان پوشش زننده و تحریک آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلوپ های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت آمیز جنسی دانسته اند. از سوی دیگر، درصدی از مردان رفتارهای تحریک آمیز همچون رقص زنان در کلوپ های شبانه را دلیلی برای راضی بودن زنان به برقراری رابطه جنسی معرفی کرده اند. در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه "Opinion Matter" انگلیس، قرار گرفتن زنان با لباس محرک در کنار مردان، تنها شدن زن با مرد در مکانهای خاص، نوشیدن مشروبات الکلی زن همراه با مرد، رقص تحریک آمیز زنان در کنار مردان، همه نمونه هایی از دلایل تحریک شدن مردان برای تجاوز و یا سوءاستفاده جنسی از زنان است

الگوی تربیتی نامناسب:

خانواده های مساوات طلب و سهل گیر و بی بندوبار: در این خانواده ها به خاطر آزادی عمل بسیار فرزندان نفس بچه ها بیش از حد رشد می کند لذا هر چه دلش می خواهد دنبالش می رود و چون امکانات محیطی و فرهنگی و غیره به او اجازه نمی دهد که دلخواهش را انجام بدهد. پس زمینه انحراف پیدا می شود، اعتیادات، بزهکاری ها، پرخاشگری ها فراوان دیده می شود.

خانواده های خود کامه و مقتدر: گرچه این دو نوع الگوی تربیتی در محیط خانواده گاهی سبب پرورش فرزندان می شود که بدون چون و چرا مطیع والدین هستند لکن در موارد زیادی هم سبب به وجود آمدن روحیه سرپیچی، تضادورزی، مخالفت و پرخاشگری در فرزندان می گردد. «به ویژه در دوران نوجوانی به بعد، چون در این دوره نوجوان خودش را می باید و می فهمد که پدر و مادر زور می گویند بنابراین سرپیچی می نماید، و ضدیت و مخالفت و در نهایت احتمالاً فرار می نماید.» (مقتدایی، ۱۳۹۵)

تغییر ارزشها:

همگام با صنعتی شدن خانواده ها ارزشهای خانوادگی و اجتماعی هم تغییر کرده است. در گذشته بسیاری از مسائلی که امروزه مورد تمسخر جوانان واقع میشود نوعی ارزش در سطح اجتماع و خانواده بود. در گذشته احترام به والدین، وفاداری به همسر، رازداری، حجاب و عفاف نوعی ارزش بود که با گذار از دوران این ارزشها جای خود را به ارزشهایی مثل زیبایی، مدلینگ بودن، مجرد ماندن، استقلال رای و امثال این ها داده است. دختران برای

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

معرفی خود سعی در زیباتر شدن به هر نحو دست میزنند انجام عملهای زیبایی متفاوت، نوع پوشش نامناسب تنها برای معرفی خود به جامعه همسالان. گرفتن فیلم و عکس از خود و عرضه آن در فضای مجازی به نوعی ارزش محسوب میشود بیخبر از آنکه بسیاری از افراد سود جو که از سلامت روانی برخوردار نیستند منتظر فرصتی هستند تا دختران و زنان را با سواستفاده از همین تصاویر مورد آزار و اذیت قرار دهند. ورود اینترنت در حوزه خانواده موجب تغییر نظام ارزشی در خانواده ها می شود. "در یک مطالعه تجربی نشان داده شد که استفاده جوانان از اینترنت موجب کاهش ارزش های خانواده شده است" (زنجانی زاده، ۱۳۸۴).

خلاء قانونی:

به علت نوظهور بودن پدیده اینترنت اعمال جرایم اینترنتی من جمله خشونت علیه زنان در این فضا در بسیاری از کشورهای دنیا قوانینی در جهت اعمال مجازات این جرایم تدوین نشده یا حتی میتوان گفت در بسیاری از کشورها هنوز ارتکاب خشونت در فضای مجازی به عنوان یک جرم مصداق پیدا نکرده است که بتوان برای این عمل مجازاتی را در نظر گرفت. البته در سالهای اخیر نهادهای مختلف بین المللی فعال در عرصه حقوق زنان فعالیت های را در جهت تعریف این جرایم انجام داده اند که تاکنون به نتیجه ای چندان محسوس مبدل نشده است. هم اکنون نگرانی عمومی درباره مطالب موجود در اینترنت وجود دارد. بعضی از جدال آمیزترین آنها تخلف در حق نشر، جعل هویت و مکالمه تنفر آمیز هستند که وجود دارند و قانونی کردن آنها مشکل است. اما می شود با یک تعهد اخلاقی متعهد شد و به خود و جامعه خدمت کرد.

دستیابی آسان به اینترنت:

کم هزینه بودن و دستیابی راحت و آسان به فضای مجازی را میتوان یکی از علل بروز افزایش خشونت در فضای سایبری دانست. برخی از اقدامات نامتناسب با سطح فرهنگ و توسعه یافتگی کشورها نیز به این معضل دامن میزند. کمپیسیون Broadband سازمان ملل در جهت توسعه دیجیتال دستورالعملی شامل چهار هدف را منتشر کرد. که کلیه کشورهای جهان برای دستیابی به اهدافی مشترک تا سال ۲۰۱۵ تلاش کنند. به گزارش فارس به نقل از سی نت، هدف از اجرای این دستورالعمل ها کمک به دسترسی عموم مردم جهان با هر سطح از سواد، درآمد و ... به اینترنت با سرعت با کیفیت و قیمت مناسب است. اما این سوال در ذهن پدید می آید که آیا ورود بدون محدودیت پدیده اینترنت به کشورهایی با سطح توسعه یافتگی کم و عدم زمینه سازی فرهنگی مناسب از این تکنولوژی اقدامی مناسب است یا خیر؟

آزادی روابط:

محیط های اینترنتی به ویژه شبکه های اجتماعی به گسترش روابط می انجامد؛ روابطی با هویت جدید. شبکه های مجازی به افراد هویتی نامعلوم می بخشد و چون نظارتی مانند نظارت دنیای واقعی بر آن حاکم نیست، باعث می شود که افراد آزادی بیشتری در روابط خود یافته و بتوانند هر نوع نظر و خواسته ای را هر چند خصمانه ابراز کنند.

پنهان ماندن هویت:

فناوری های جدید ارتباطی موجب می شود تا هویت های جدیدی شکل بگیرد. هویت افراد در اجتماعات مجازی «هویتی دیجیتال» است و سرزمین و نژاد، زبان بومی و محلی، کشور و فرهنگ ملی، هویت افراد را در اجتماعات مجازی خود را با دیگران گسترش دهند. "اینترنت یک صحنه اجتماعی است که فرد را در موقعیت های متنوع نقش ها و سبک های زندگی، قرار می دهد و از آن تأثیر می پذیرد" (اکبری، ۱۳۹۰) جرم شناسان

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

می گویند یکی از دلایل کثرت وقوع جرم در حاشیه شهرها، مهاجرنشین بودن آن ها و ناشناخته بودن افراد یک محله برای همدیگر است. تجربه ثابت شده است که اگر افراد یک محل همدیگر را بشناسند کمتر مرتکب جرم می شوند. فضای سایبر فضایی است که اهالی آن درعین ارتباط همدیگر را نمی شناسند. هرروز می شود بایک هویت خاص وارد این فضا شد لذا این فضا خودبخود جرم زا و آسیب آفرین است. حتی اگر پلیس هم پس از زحمات زیاد بتواند آدرس مجرم را پیدا کند چون در فضای واقعی بامرزه های جغرافیای و محدودیت های آن روبروست اگر مجرم در کشور دیگر باشد به سختی می شود او را دستگیر و مجازات کرد.

امنیت سایبری:

از بین بردن تهدیدات سایبری امری غیرممکن به نظر می رسد، بنابراین حفاظت از اطلاعات و داده ها در برابر آنها بدون اینکه اختلالی در رشد و نوآوری ایجاد شود یک مساله مهم به شمار می رود. وجود افراد بی اطلاع، سهولت در برقراری ارتباط، ناشناس بودن و... اینترنت را بستری مناسب برای فعالیت مجرمین کرده است. پایین بودن سطح امنیت دز فضای مجازی راهی مناسب برای نفوذ افراد سودجو است. بسیاری از زنان که در راستای فعالیت های روزانه خود در این فضا حضور دارند توسط افرادی که اطلاعات محرمانه آنها را هک کرده اند مورد تهدید و انواع مختلف آزار و اذیت قرار می گیرند.

تخلیه هیجانی:

ابراز خشم در شبکه های اجتماعی اغلب به عنوان روشی برای تخلیه احساسات در نظر گرفته می شود. افراد فکر می کنند که با ابراز خشم خود در شبکه های مجازی حتی برای لحظه ای آرام می شوند. شبکه ها اجتماعی این امکان را به ما می دهد که پیش از آنکه فرصتی برای آرام شدن به خودمان دهیم، نازاحتی خود را در اولین فرصت به اشتراک بگذاریم و آن را منتشر کنیم، اما معمولاً این مسئله موجب تشدید خشم و گسترش آن می شود. اغلب متأسفانه مردان حتی در فضای مجازی هم باور برتری جنسیتی خود را بروز می دهند و خشونت خود را در برخورد با زنان در این فضا به نمایش می گذارند و زنان را بهترین گزینه برای تخلیه خشم خود انتخاب می کنند.

توسعه نامتناسب:

اسماعیلی قدیمی استاد ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی در گفت و گو با «عصر ارتباط» ریشه بروز بی اخلاقی در فضای مجازی و گسترش آن در شبکه های اجتماعی را عدم تناسب در توسعه می داند و توضیح می دهد: «واقعیت این است که وقتی نظام های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی توسعه پیدا می کنند، همانطور که گیدنز، جامعه شناس معروف می گوید باید سیستم های کنترلی و نظارتی هم توسعه پیدا کند و در واقع نمی توان سازمان ها را براساس عقل و منطق گسترش داد اما به فکر توسعه مکانیزم های کنترلی و نظارت نبود.»

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

روش تحقیق:

این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و استفاده از فیش‌برداری است. روش مورد استفاده در این پژوهش روش کتابخانه‌ای می‌باشد که متداولترین روش در پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از طریق تجزیه و تحلیل به روش استنتاجی (نتیجه‌گیری از طریق منطقی با استفاده از مدارک و اسناد) و نیز جمع‌آوری اسناد و مدارک به صورت استقرایی (از اسناد جزئی به نتیجه‌گیری کلی) از اسناد و مدارک بین‌المللی و نیز مقالات و کتابهای مرتبط می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای می‌باشد. در این روش، برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار فیش‌برداری استفاده خواهد شد.

یافته‌ها:

دانشگاه مریلند آمریکا نیز در تحقیقی دانشگاهی در سال (۲۰۱۴) عنوان کرده بود که کاربران زن به طور متوسط ۲۵ برابر بیشتر از کاربران مرد با پیغام‌های تهدیدگر، فحاشی، پیغام‌های با کلمات رکیک و جنسیت‌زده و خشونت کلامی مواجه می‌شوند. دست‌کم ۸۷ درصد کاربران زن با کامنت‌های جنسیت‌زده مواجه شده و تهدید جنسی دریافت کرده‌اند و قربانیان این آزار نیز بیشتر زنان بین ۱۸ تا ۳۰ ساله بوده‌اند. اما چگونه این اتفاق افتاده است؟

بعضی از نظریه‌پردازان بیان می‌کنند: «زنان در برخورد با نگرش‌های کلیشه‌ای در محیط‌های رام اینترنت، به شیوه‌هایی عمل می‌کنند، تا «برهم‌کنش» انجام دهند با این همه، اینترنت جایگاه محیط‌های کینه‌توزانه‌تری است و در پاره‌ای از آنها، زنان به گونه ویژه‌ای آسیب‌پذیرند و احساس ناراحتی می‌کنند.» زیرا مردان به تعبیر، رویکردی پرخاشگرانه و پیشی‌طلبانه دارند. (پاتریشیا ولش)

گزارشی توسط کمیسیون «Broadband» سازمان ملل متحد منتشر شده است که مطابق آن حدود یک سوم زنان به صورت آنلاین در معرض برخی از اشکال خشونت سایبری اعلام شده‌اند و به این ترتیب دولت‌ها و بخش صنعتی ملزم به اقدام مؤثر و بیشتر برای حمایت از زنان و دختران در مقابل تهدیدات و اذیت و آزارهای سایبری شده‌اند. سازمان ملل می‌گوید خشونت علیه زنان اشکال نوظهوری پیدا کرده و اینترنت به فضای تازه‌ای برای خشونت علیه زنان تبدیل شده است.

این سازمان در گزارش خود که همزمان با نشست کمیسیون جایگاه زن در نیویارک منتشر شده می‌گوید: "در شرایطی که گروه‌هایی از زنان تلاش می‌کنند خشونت علیه زنان بر اساس قانون جرم تلقی شود و تجاوز جنسی از سوی همسران هنوز در بسیاری از کشورها مجاز است، خشونت در فضای مجازی هم رواج پیدا کرده از جمله زنان در توییتر تهدید به تجاوز می‌شوند."

سازمان ملل اعلام کرده میزان خشونت علیه زنان به طرز نگران‌کننده‌ای بسیار بالاست. گزارش سازمان ملل نشان می‌دهد که اگرچه وضع زنان در زمینه بهداشت و آموزش بهتر شده؛ اما هنوز خشونت علیه آنها ادامه دارد. گزارش سازمان ملل می‌گوید ۳۵ درصد زنان جهان یعنی بیشتر از یک سوم آنها در زندگی شان خشونت فیزیکی، جنسی یا هر دو را تجربه کرده‌اند.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

این گزارش سازمان ملل متحد پرده از واقعیت تکان دهنده ای در زمینه خشونت علیه زنان برمی دارد؛ واقعیتی که اگر به دقت به آن نگاه شود به آسانی قابل درک است که چه گروه ها و کشورهایی و چگونه اینترنت و تکنولوژی های ارتباطی را به دستمایه ای برای خشونت علیه زنان تبدیل کرده اند. اینکه زنان در توییتر تهدید به تجاوز می شوند، از نظر سازمان ملل متحد، نوعی خشونت علیه زنان در فضای مجازی ارزیابی شده است و بدون شک، این در جای خود نوعی خشونت علیه زنان محسوب می شود؛ اما از آنجا که هر تهدیدی لزوماً به اجرای عملی آن، منجر نمی شود؛ بنابراین، این خشونت به اندازه دیگر موارد خشونت علیه زنان که با استفاده از اینترنت و تکنولوژی مدرن صورت می گیرد، نمی تواند دارای پیامدهای جدی باشد؛ مواردی که شاید حتی در گزارش سازمان ملل نیز نیامده و عمداً یا سهواً به آن توجهی صورت نگرفته است.

امروز خشونت اینترنتی علیه زنان، به امری رایج تبدیل شده است. براساس تحقیقات دانشگاه جورجیا درباره «خشونت اینترنتی علیه زنان»، بسیاری از مردان اینترنت را قلمرو خود می دانند و میل به سرکوب زانی دارند که وارد قلمرو آنها می شوند. این میل در محیط های واقعی هم در مردان دیده می شود، اما در دنیای واقعی بسیاری از مناسبات به مردان اجازه سرکوبگری نمی دهد؛ در حالی که ناشناس بودن در دنیای مجازی، راه را برای آزار و اذیت پشت هویت های مجازی باز می گذارد.

گرچه به لحاظ روحی نیز، گشت و گذار در دنیای اینترنت می تواند بی تأثیر نباشد، اما زیادی آمار خشونت ها و جرم و جنایت نمی تواند بی ربط با آن باشد. در یک آمار جهانی که به تازگی منتشر شده است، گفته شده که افزایش ۳۰ درصدی جرم و جنایت، تجاوز و خشونت، در نتیجه مراجعه افراد به سایت های ضداخلاقی است.

از سوی دیگر، حضور در سایت های هرزه نگاری منجر به رفتارهای عملی از سوی نوجوانان و جوانان می گردد. تعداد قربانیان اینترنت در میان جوانان تعجب آور و غیر قابل قبول است. نتایج تحقیق و مطالعه دیوبند فینکلور، کیمبرلی جی میشل و جانیس واکر از مرکز ملی مطالعات قربانیان نوجوان الکساندریا در سایت از ۱۰۵۱ نوجوان ۱۰ تا ۱۷ ساله آمریکایی که از اینترنت استفاده می کنند نشان می دهد:

از یک نفر از هر ۵ نفر در سال گذشته، حداقل یک بار تقاضای سکس شده است.

از یک نفر از هر ۳۳ نفر، تقاضای ملاقات حضوری و یا درخواست مکالمه تلفنی شده است.

به یک نفر از هر ۴ نفر عکس های عریان نشان داده شده است.

یک نفر از هر ۱۷ نفر مورد تهدید و یا ارباب واقع شده است.

از ۱۰ درصد کسانی که تقاضای سکس شده است، تنها ۳ درصد به مسئولان گزارش شده است.

۱۴ درصد پسران و ۱۶ درصد دختران حداقل یک دوست صمیمی و یا یک رابطه عاشقانه آنلاین داشته اند.

نتایج حاصله از این پژوهش نشان می دهد که حضور بدون نظارت والدین در اینترنت می تواند زمینه ساز گسترش ارتکاب رفتارهای جنسی در محدوده سنی که از لحاظ قانونی و عرفی پذیرفته شده نیست گردد

آمار خشونت آنلاین در ایران

آخرین آمارها حاکی از آن است که ضریب نفوذ اینترنت در ایران ۷۴.۹۴ است. این نفوذ در سال های اخیر و به دلیل فراگیر شدن گوشی های هوشمند افزایش پیدا کرده است. تعداد درخور توجهی از کاربران اینترنت در

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

ایران فقط عضو شبکه های اجتماعی موبایلی هستند؛ به گونه ای که ایران در این زمینه رکورددار محسوب می شود. برخی آمارها حاکی از آن است که حداقل چهار میلیون ایرانی عضو اینستاگرام هستند. در مقابل، ایرانیان توییتری، کمتر از یک میلیون و تلگرامی ها چیزی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر هستند. فیس بوک چیزی حدود ۱۰ میلیون ایرانی را به خود جذب کرده و دیگر شبکه های مجازی نیز شاهد فعالیت گسترده ایرانیان است.

اثرات روانی خشونت های مجازی در درازمدت نمود پیدا می کند. حتی شاید به دلیل برداشت های غلط در جامعه و تصور نادرستی که از بیماری روانی با ترس از «آبروریزی» در میان مردم وجود دارد، افراد هیچ گاه از رنجی که روح و روانشان متحمل می شود، سخنی به میان نیاورند. بنابراین اثرات روانی خشونت اینترنتی باری است که معمولا قربانیان، به تنهایی به دوش می کشند..

ثریا عزیزپناه، فعال حوزه زنان، درباره فرهنگ استفاده از فضای مجازی در ایران می گوید: «در کشورهایی که فضای مجازی بدون فرهنگ سازی و قوانینی با ضمانت اجرائی در اختیار همگان قرار گرفته است، فضا برای شهروندان، به ویژه زنان و کودکان آسیب زاتر می شود. تهدید به بی آبرویی، پخش شدن و دست کاری عکس ها و اطلاعات شخصی، تهدید به ادامه مزاحمت، باج خواهی و حق سکوت و حتی در مواردی تهدید به مرگ، از جمله مسائلی است که به ویژه در کشورهایی نظیر ایران که فرهنگی سنتی در آن غالب است، زنان را بیشتر از مردان نگران می کند».

متأسفانه آمار حاکی از این است که زنان ایرانی از میان اقسام مختلف خشونت بیشتر از خشونت های فیزیکی و جسمی از خشونت های روانی و کلامی آسیب دیده اند. خشونت روانی و کلامی نوعی از خشونت است که در فضای مجازی با تحقیر و تمسخر جنسی زنان در کلام روان آنان را هدف قرار می دهد.

سازمان بهداشت جهانی (WHO) نیز خشونت علیه زنان را به عنوان یک مساله مهم در بهداشت جهانی مورد بررسی قرار داده است. براساس تعریف این سازمان خشونت جنسی علیه زنان به عنوان عامل اصلی تهدید کننده سلامت و بهداشت فیزیکی و روانی زنان و در نهایت جامعه اعلام شده است. طبق آخرین آمار این سازمان بین ۱۵-۷۱٪ زنان در دنیا تجربه خشونت جنسی توسط یک شریک نزدیک (Intimate partner) را داشته اند که درصد احتمال ابتلا به ویروس ایدز را افزایش داده است. خشونت جنسی براساس تعریف این سازمان، شامل هر گونه عمل ناخواسته جنسی که تحمیل و زور را به دنبال داشته باشد می شود، بدون در نظر گرفتن رابطه بین دو فرد (اعم از خویشاوند، همسر و یا فرد غریبه) و در هر مکانی اعم از محل کار، خانه و یا هر جای دیگر.

در تعریف سازمان جهانی بهداشت توجهی به خشونت مجازی علیه زنان نشده است. آثار مخربی که خشونت مجازی بر روان زنان میگذارد کمتر از آثار ناشی از خشونت های فیزیکی نیست. آمارهای جهانی حاکی از آن است که بسیاری از زنان به علت تهدیدات جنسی و خشونت های جنسی در فضای مجازی دچار ترس از مردان و حتی گاهی مرتکب خودکشی ناشی از ترس آبروریزی شده اند. شاید اگر تعریف سازمان های بین المللی در برگیرنده خشونت مجازی هم باشد بتوان راهی برای کاهش این نوع از خشونت علیه زنان یافت.

در تحقیق انجام شده توسط مؤسسه تحقیقاتی آلبرتا، ۴۰ درصد مردان پوشش زننده و تحریک آمیز زنان در اجتماع به خصوص کلپ های شبانه را به عنوان دلیلی برای رفتارهای خشونت آمیز جنسی دانسته اند.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

- لباس‌های محرک: ۲۹ درصد
- نوشیدن مشروبات الکلی: ۶۹ درصد
- اقدامات جنسی از سوی زنان: ۷۳ درصد
- رفتارهای تحریک‌آمیز از سوی زنان: ۲۱ درصد
- رقص تحریک‌آمیز همراه با مرد در کلوب شبانه: ۲۲ درصد

تمامی ارقام و آمار بیان شده تنها گوشه ای از آمار مرتبط با خشونت های فیزیکی علیه زنان در دنیای واقعی است اما چیزی که امروزه جهان با آن روبه رو است خشونت علیه زنان در فضای مجازی است که شاید تا چند سال آینده قربانیان این نوع از خشونت بیش از قربانیان خشونت در دنیای واقعی باشد. پوشش نامناسب زنان در امکان عمومی حتی در کشورهای غربی که حجاب به معنایی که در کشورهای مسلمان مصداق نماید هم علتی است برای بروز خشونت بر علیه زنان. حال آنکه زنان در فضاهای مجازی با پوششهای بسیار زننده تر از دنیای واقعی ظاهر میشوند و خود به نوعی محرک غریزه جنسی مردان میشوند. همین امر م. جب میشود تا مردان اغلب در پی کامیابی های جنسی وارد عرصه مجازی شده و زنان را بعنوان کالایی جنسی ببینند و بشناسند.

نظریه یادگیری اجتماعی را آلبرت بندورا در دهه ۱۹۹۰ مطرح کرد. از نظر بندورا رفتار از دو طریق آموخته می‌شود: یا از طریق پاداش دادن به اعمال (یادگیری ابزاری) یا از طریق مشاهده آگاهانه یا تصادفی رفتار دیگران (مدل‌سازی). بنابراین، کودکانی که از هر طریق می‌آموزند که خشن باشند، شاید الگوی آموخته شده را در دوران بزرگسالی نیز ادامه دهند. همچنین بندورا به دخالت شرایط زمینه‌ساز مانند تراکم جمعیت، آلودگی و غیره در پیدایش پرخاشگری و خشونت اشاره دارد که از آن می‌توان در راستای تبیین نقش خانواده در آزار کودکان بهره جست (خاک رنگین و فتیحی، ۱۳۸۸). رهیافت یادگیری اجتماعی بر این موضوع تأکید دارد که چگونه وضعیت‌های اجتماعی و محیطی به افراد می‌آموزند تا رفتار پرخاشگرانه و خشونت‌آمیز داشته باشند. در این رهیافت پرخاشجویی و خشونت به مثابه رفتارهایی اجتناب‌ناپذیر تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان رفتارهای در نظر گرفته می‌شوند که بر اساس پاداش‌ها و تنبیهات شناخته و فرا گرفته می‌شود. تئوری یادگیری اجتماعی نه تنها به طور خاص به پاداش‌ها و تنبیهات مستقیمی که افراد به طور مستقیم تجربه می‌کنند توجه دارد، بلکه افزون بر آن به پاداش‌ها و تنبیهاتی نیز توجه دارد که الگوهای نقش افرادی، که راهنمای عمل رفتار قرار می‌گیرند، به سبب رفتار پرخاشگرانه‌شان دریافت می‌دارند. بر این اساس افراد به مشاهده و تأمل در رفتار الگوها و پیامدهای رفتار می‌پردازند. اگر این پیامدها مثبت باشد رفتار مذکور در وضعیت‌های مشابه از طرف مشاهده‌کننده مورد تقلید قرار می‌گیرد (فلدمن، ۱۹۹۳). پرخاشگری و خشونت، رفتار و کنش اجتماعی است که از طریق فرآیندهای اجتماعی، تولید، بازتولید و فراگرفته می‌شود. که این رفتار از طریق مدل‌ها و تقویت رفتار به وسیله پاداش و تنبیه ایجاد می‌شود. فرد ممکن است رفتارهای خشونت‌آمیز یا تهاجمی را از طریق سه منبع یاد بگیرد: خانواده، زیرمجموعه‌های فرهنگی (مثلاً طبقه اجتماعی فقیر) و فرهنگ (مطالعه، تلویزیون، سینما و...). خشونت‌های خانگی که شخص در دوران کودکی به عنوان ناظر اولیه شاهد آن‌ها بوده یا خود قربانی آن خشونت‌ها شده است، پیامدهای سوء بر آینده او می‌گذارد. و شخص با یادگیری رفتار خشن، آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند. و این نظریه معتقد است که ریشه اولیه خشونت در الگوسازی و تقویت معیارهای خانوادگی است (حاج‌بیگی و مسعودی، ۱۳۸۵).

ماریا روی (۱۹۹۷) در پژوهشی ۱۵۰ زن آمریکایی را بررسی کرد که مورد ضرب و شتم توسط شوهرانشان واقع شده بودند. نتایج حاصل از سابقه خشونت در خانواده پدری نشان داد که ۸۱٪ از شوهرانی که زنان خود را کتک‌زده بودند در خانواده پدری شاهد کتک خوردن

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

مادرشان از پدرشان بوده‌اند، ولی در میان زنان کتک‌خورده ۳/۳۳٪ شاهد کتک‌خوردن مادر خود از پدرشان بوده و عنوان کرده‌اند که از رفتار خشونت‌آمیز شوهرشان حیرت نکرده‌اند، زیرا با این پدیده آشنا بودند (روی، ۱۹۹۷).

باتوجه به بیان علت‌های گوناگون برای بروز خشونت مجازی علیه زنان و با بررسی آمار سازمان‌های بین‌المللی از میزان خشونت علیه زنان میتوان به اپبات این فرضیه رسید که: "اختلافات خانوادگی و رفتار تحریک‌کننده زنان دو عامل اصلی خشونت علیه زنان در فضای مجازی است".

بیشتر افرادی که مرتکب خشونت و در بیان مضیق خشونت علیه زنان میشوند افرادی هستند که در دوران کودکی در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که ارتباط والدین با یکدیگر پرخاشگرا نه بوده است و در دوران کودکی در خانه و یا محیط‌های دیگر شاهد نوعی از خشونت بوده‌اند. افراد در فضای مجازی با تکیه بر پنهان ماندن هویتشان و فرار از مجرم شناخته شدن و مجازات راحت بر علیه دیگران اعمال خشونت میکنند. زنان به عنوان گروه عظیمی از اعضای جامعه بیشتر از مردان مورد خشم قرار میگیرند.

اگر خشونت مجازی علیه زنان اینگونه افزایش یابد حتماً جامعه جهانی با مشکلی جدی روبه‌رو خواهد شد زیرا زنان تربیت‌کنندگان نسل آینده جهان هستند حال آنکه اگر زنان از آرامش و امنیت برای رشد و بالندگی و فعالیت برخوردار نباشند هیچگاه نمیتوانند نسلی موفق و پویا را برای آینده تربیت کنند و از حقوق شایسته خود به عنوان یک شهروند برخوردار شوند.

بحث و نتیجه‌گیری:

خشونت مجازی علیه زنان پدیده‌ای نوظهور است که زندگی خانوادگی و اجتماعی زنان را در سراسر جهان تهدید میکند پدیده‌ای که برخلاف تلاش‌های نهادهای مختلف حامی زنان در محو اشکال مختلف خشونت علیه زنان هم‌چنان تعداد زیادی از زنان جوامع را قربانی میکند. در اکثر تحقیقات و مقالات علمی ارائه شده پیرامون علل خشونت علیه زنان تنها عللی بیان شده‌اند که زنان را در دنیای واقعی مورد ظلم قرار داده‌اند اما در این مقاله سعی شده است تا از دیدگاهی نو به خشونت علیه زنان توجه شود و جنبه روانی ناشی از خشونت را در اولویت قرار داده و به بررسی خشونت در فضایی به غیر از دنیای واقعی پرداخته شده و علل بروز خشونت در این فضا بررسی شود. در برخی از مقالات یاد شده به خشونت سایبری توجه شده اما به ماهیت کلی خشونت به طور عام توجه شده است اما مقاله حاضر به این موضوع توجه کرده که چرا زنان قربانیان اصلی خشونت مجازی هستند و علل این افزایش خشونت را در چه چیزی دنبال میکند. باتوجه به دیدگاه یادگیری اجتماعی باندورا به این نتیجه دست یافته‌ایم که اختلافات و کشمکش‌های خانوادگی در مرحله اول اصلی‌ترین عامل خشونت علیه زنان است چرا که کودکانی که شاهد خشونت هستند و آن را تجربه میکنند نسبت به کودکانی که در فضایی امن رشد یافته‌اند در بزرگسالی خشن‌تر خواهند بود و امروز با کشیده شدن ارتباطات افراد از دنیای واقعی به دنیای مجازی این افراد به علت‌هایی مثل پنهان ماندن هویت خشونت خود را بروز میدهند. در مرحله دوم تغییر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها مثل تغییر سبک پوشش و رفتار زنان عاملی ثانوی در این افزایش خشونت است. حضور زنان و دختران با سبک پوشش نامناسب و محرک در شبکه‌های اجتماعی و سایر فضاهای مجازی به نوعی داوطلبانه خود را در معرض خطر قرار میدهند.

با توجه به راهکارهای زیر میتوان خشونت علیه زنان در فضای مجازی را کاهش داد و فضایی امن را برای حضور زنان در جامعه و اجتماع مهیا کرد.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

تحکیم بنیاد خانواده: توجه بیشتر به بنیاد خانواده به عنوان اولین محیط تربیتی جامعه میتواند کمک شایانی در کاهش این مخاطرات اجتماعی داشته باشد. هنگامی که فرد در محیطی آرام و امن پرورش یابد از سلامت روانی کافی برای برخورد با مشکلات برخوردار خواهد بود. اگر فرزندان در خانواده عاطفه و محبت را تجربه کنند این محبت و امنیت را به اجتماع منتقل میکنند.

بازیابی ارزشها: توجه به خانواده و ارزشهای اجتماعی میتواند راه را برای بازیابی جایگاه اصلی زنان در خانواده و جامعه باز کند. زنان که با تغییر ارزشها به نوعی خود را به کالایی جنسی تبدیل کرده اند باید در کسب جایگاه اصلی خود به عنوان مادران موفق آینده تلاش کنند. گاهی برای موفقیت باید به گذشته بازگشت و برخی از ارزشها را دوباره زنده کرد تغییر ارزشها در یک جامعه میتواند به مرور هویت فرهنگی آن را به دست فراموشی بسپارد و بی هویتی فرهنگی را به دنبال داشته باشد.

نظارت بر ارتباطات: اگر خانواده ها در تعامل با فرزندان خود به نحوی مناسب بر ارتباطات مجازی و حضور فرزند خود در این فضای بی نهایت گسترده نظارت داشته باشند چه بسا جوانان و نوجوانان به ورطه نابودی در این فضا کشیده نشده و از این تکنولوژی در جهت شکوفا کردن استعدادهای خود استفاده کنند.

ری تینک (Rethink):

ری تینک (ReThink) یک افزونه صفحه کلید برای نوجوانان است که پیامهای توهین آمیز را مشخص می کند و از نویسنده تقاضا می کند در ارسال آن پیام تجدیدنظر کند.

ناشناس بودن در فضای اینترنت و زمان زیادی که نوجوانان به صورت آنلاین صرف می کنند نگرانی ها در مورد خشونت های سایبری افزایش داده است. قربانیان کم سن و سال خشونت های مجازی عموماً از افسردگی، اضطراب و اعتماد به نفس پایین رنج می برند و بیشتر در معرض خطر انصراف از تحصیل هستند. ری تینک (ReThink) راه حلی ساده است که در نظر دارد با درخواست از نوجوانان برای تجدیدنظر در ارسال پیام های توهین آمیز به صورت فعالانه از خشونت های سایبری جلوگیری کند. ری تینک نرم افزاری است که بدون خواندن پیام ها و با استفاده از فناوری فیلترینگ حساس به متن، پیام های توهین آمیز را مشخص می کند. این سیستم با نمایش پیامی به صورت پاپ آپ به کاربران یادآوری می کند که پیامشان توهین آمیز است و از آن ها می خواهد که در فرستادن آن تجدیدنظر کنند. این عمل به نویسنده پیام فرصت می دهد تا بدون جلوگیری از ارسال و نصیحت مستقیم در پیام خود تأمل کند. کاربران در صورت تمایل می توانند همان پیام اولیه خود را بفرستند اما مطالعات نشان داده است که تنها ۱۰ درصد از افراد این کار را می کنند.

"ری تینک توسط یک نوجوان به نام تریشا پرابهو (Trisha Prabhu) و با الهام گیری از خودکشی یک قربانی ۱۱ ساله خشونت سایبری به وجود آمده است. پرابهو و گروهش با انجام تحقیقات بسیاری دریافته اند استفاده از ری تینک فرستادن پیام های خشونت آمیز توسط نوجوانان را از ۷۱ درصد به ۴ درصد کاهش می دهد. ری تینک در حال حاضر به عنوان یک اپلیکیشن رایگان در دسترس قرار دارد. همچنین می توان از آن در مدارس استفاده نمود." (علمداری، ۱۳۹۴)

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

جرم انگاری:

خشونت علیه زنان از زمانی که در مجمع عمومی سازمان ملل تعریف شد کشورها توانستند برای آن مصادیقی در نظر بگیرند و از خشونت علیه زنان بعنوان یک جرم یاد کنند. اولین گام برای جرم انگاری یک عمل داشتن تعریف مناسب است که هم جامع و مانع باشد. ظهور خشونت در فضای مجازی علیه زنان یک اتفاق تازه است که طی چند سال اخیر و با گسترش جهانی اینترنت رخ داده است و همین تازگی عاملی است که موجب شده است هنوز تعریفی درست و جهانی از آن به عمل نیامده است. تلاش سازمانهای مدافع حقوق زنان در جهت ارائه تعریفی مناسب با تمامی ابعاد این امر میتواند گامی در جهت کاهش این نوع از خشونت باشد.

Psychology and Educational Sciences Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

منابع:

- اکبری، ابوالقاسم، اکبری، مینا، ۱۳۹۰، آسیب‌شناسی اجتماعی؛ تهران: انتشارات رشد و توسعه ارسون، الیوت، ۱۳۶۹، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکر کن، تهران، انتشارات رشد
- ثقه الاسلامی، علیرضا، ۱۳۸۰، چالش‌های اخلاقی در عصر ارتباطات
- حاج بیگی، محمدرضا، مسعودی، احمدرضا، خشونت و پرخاشگری در فوتبالی و راهکارهای کنترل آن، فصلنامه امنیت، سال پنجم، شماره ۱ و ۲، ۱۳۸۵
- خاک‌رنجین، مریم، فتحی، منصور، عوامل خانوادگی مرتبط با کودک-آزاری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳، ۱۳۸۸
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغت نامه، چاپ اول (دوره جدید)، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- رفعت جاه، مریم، زنان و باز تعریف هویت اجتماعی، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم شماره ۲، ۱۳۸۲
- رفیعی فر، شهرام، ۱۳۸۶، برنامه مداخلات چند بخشی برای پیشگیری و کنترل خشونت خانگی در کشور، انتشارات معاونت سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی
- رئوف، عزت، ۱۳۷۷، مشارکت سیاسی زن، ترجمه محسن آرمین، نشر قطره
- رادفر، سودابه، مقاله عدم وجود ضمانت اجرایی اسناد بین-المللی؛ مهمترین علت عدم توفیق مهار خشونت علیه زنان، ۱۳۹۴
- زنجانی‌زاده، همایون، بررسی تأثیر اینترنت بر ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان، مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۸۴
- شیخی، محمد تقی، ۱۳۸۰، جامعه‌شناسی زنان و خانواده، شرکت سهامی انتشار
- کریمی، فاطمه، ۱۳۸۹، تراژدی تن، چاپ اول، تهران، نشر روشنفکران و مطالعات زنان
- کار، مهرانگیز، ۱۳۷۸، حقوق و خشونت، کیان، سال هشتم
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ چهارم، تهران، نشر نی
- میر حسینی، مریم، کج‌روی‌های اینترنتی؛ لزوم نظارت و محدود کردن دسترسی به اطلاعات، فصلنامه رسانه، ۱۳۸۵
- محبی، فاطمه، آسیب‌شناسی اجتماعی، فصلنامه کتاب زنان، شماره ۱۴، ۱۳۸۹
- ولش، پاتریشیا، ۱۳۸۲، روانشناسی اینترنت، ترجمه بهنام اوحدی، تهران، نشر نقش خورشید

Feldman, Robert S, 1993, understanding psychology ,McGraw-Hill, Inc



Psychology and Educational Sciences
Law and Social Sciences at the beginning of Third Millennium

Heidi Stöckl, Claudia Garcia-Moreno, 2017 International Encyclopedia of Public Health (Second Edition,

www.rethinkwords.org